

قد کشیدن با آیات

روایتی از هیئت دخترانه حضرت رقیه (س) که دو خواهر دغدغه‌مند با تکیه بر آیات قرآن آن را پیش می‌برند

آموزش همراه با اردو

دغدغه آموزش علوم قرآنی و حدیث به نونهالان و نوجوانان، این دو خواهر را به میدان آورده است. آن‌ها هر هفته یک جلسه قرآن با حضور بچه‌ها در مسجد برگزار می‌کنند که بنا به شرایط درسی بچه‌ها، در فصل مدرسه ساعت آن جابه‌جا می‌شود. خانم حامدیان پور در ادامه می‌گوید: «حالا که جلسه را به مسجد آورده‌ایم، هر هفته یک دورهمی با دختران داریم. البته وقتی هم در خانه بودیم، هر هفته برنامه داشتیم. یک رسم جذاب هم داریم که هر پنج جلسه، یک اردو برگزار می‌کنیم و بچه‌ها را بیرون می‌بریم. برنامه بیرون هم همراه با آموزش قرآن می‌خوانیم، روخوانی داریم و نکات آموزشی را با بچه‌ها مرور می‌کنیم، اما گردش و تفریح هم داریم. جمعی به حرم می‌رویم، به مزار شهدای گمنام و معراج شهدا می‌رویم و بعضی وقت‌ها در مناسبت‌ها ایستگاه صلواتی هم با کمک دخترها برپا می‌کنیم و در حد توان پذیرایی می‌کنیم.»

دخترها استاد می‌شوند

این جلسه‌ها که کم‌کم شکل هیئت به خود گرفته و نام «هیئت حضرت رقیه (س)» را بر آن گذاشته‌اند، اتفاقات خوب زیادی را برای دخترها رقم زده است. در این جمع، اکنون حافظان زیادی حضور دارند که از یک جزء تا کل قرآن را حفظ کرده‌اند.

«اینجا هدف ما تعالی بچه‌هاست. هر قدمی که برمی‌داریم، یک نکته آموزشی درونش دارد و کلا یک شعار داریم: اینجا هوش و گوش بچه‌ها گیر قرآن و دین است و وقتی در جلسه هستند، هیچ دغدغه دیگری

فاطمه بختیاری | سه چهار سال پیش بود که خواهران حامدیان پور تصمیم گرفتند در برخی روزهای هفته، کلاس قرآن را در خانه برگزار کنند و به دختران نوجوان و جوان محله، روخوانی، روان‌خوانی و ترتیل قرآن کریم بیاموزند. آن‌ها فراتر از این آموزش‌ها، به دخترانی که حافظه خوب و استعداد داشتند، حفظ قرآن را نیز یاد دادند. این روند در خانه ادامه داشت تا اینکه تعداد دختران علاقه‌مند به حفظ قرآن روز به روز بیشتر شد و کلاس‌ها به مسجد محله منتقل شد؛ کلاس‌هایی که اکنون حدود هشتاد قرآن‌آموز دختر دارد، از سنین پنج سال تا هجده سال.

ذوق می‌کنم

«ذوق می‌کنم»؛ این اولین جمله‌ای است که کلثوم حامدیان پور در پاسخ به این سؤال می‌گوید که چه شد به فکر آموزش علوم قرآنی به دختران نوجوان و جوان افتاد: «به نظرم گسترش علوم قرآنی یک وظیفه است. من و خواهرم هم با همین نیت کلاس‌های آموزشی را در خانه راه انداختیم. هر چه خودمان بلد بودیم که از دوره‌های مختلف آموخته بودیم به دخترها یاد می‌دادیم، و برای چیزهایی که بلد نبودیم، برایشان استاد دعوت می‌کردیم. اوایل تعداد بچه‌ها کم بود و بیشتر اطرافیان و آشنایان خودمان می‌آمدند، اما کم‌کم که خبر بین همسایه‌ها پیچید، تعداد بیشتری از بچه‌ها آمدند. این شد که از خانه به مسجد آمديم و کلاس‌ها را آنجا ادامه دادیم.» او ادامه می‌دهد: «الان، شکر خدا، حدود هشتاد قرآن‌آموز دختر نوجوان داریم که تا هجده ساله هستند. دختران پنج، شش ساله هم داریم که به کلاس می‌آیند و با اینکه هنوز خواندن و نوشتن بلد نیستند، در قرائت قرآن موفق بوده‌اند. من وقتی این بچه‌ها را می‌بینم، واقعا ذوق می‌کنم. وقتی سوره‌ای را حفظ می‌کنند، انگار بال درمی‌آورم، و وقتی حافظ یک جزء می‌شوند، دیگر پرواز می‌کنم! نمی‌دانید چه حس خوبی دارد؛ انگار کشاورزی هستم که هر چه کاشته‌ام، به بار نشسته و میوه داده است.»

